

بسم الله الرحمن الرحيم و به تعالى نستعين

این ارائه به مباحث شفافیت در حوزه انتخابات اختصاص دارد که به علت انتخاباتی که در کشور در پیش است، اهمیت زیادی دارد. البته از نظر اینکه هر سال انتخابات برگزار خواهد داشت و یکسری از مباحث هم برای اینکه اجرائی شوند نیاز به زمان خواهند داشت، این ارائه اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. مکرراً از بزرگان نظام فرمایشاتی در رابطه با اهمیت انتخابات و ضرورت ارتقا دادن انتخابات وجود دارد. طبیعتاً اشاره به مشکلات متعددی که در فرهنگ های موجود انتخابات به عنوان تجربه بشری وجود داشته است و لزوم تلاش در جهت ارتقا آنها باعث شد که فهرست مطالبی که در این زمینه جمع آوری شده را خدمت بزرگواران ارائه دهیم. مطالب فوق به سه دسته کلی مسائل ناظر به نامزدها، مسائل ناظر به مردم و مسائل ناظر به فرآیندهای انتخاباتی تقسیم بندی میکنیم. در بحث مسائل ناظر به انتخابات هفت یا هشت موضوع مهم در کشور وجود دارد که میتوانیم بگوییم مهم ترین بخش این ارائه نیز همین بخش اول مسائل ناظر به نامزدها میباشد، مسائل ناظر به مردم هم در واقع دو الی سه مورد میباشد که در جای خود حائز اهمیت میباشد. تعدادی موضوع هم ذیل بحث فرایندهای انتخاباتی و مسائل مرتبط با حوزه شفافیت تعریف میشوند که اشاره ای خواهیم کرد. یک تذکری که ضروری به نظر میرسد این است که در این ارائه بخشی از مسائل انتخابات انتخاب شده است و طبیعتاً همه اشکالات و ایرادات و اشاره به ابعاد شفافیتی آن ها امکان پذیر نبوده و مطلوب هم به نظر نمیرسیده است. تذکر دیگر این است که مسائلی که در سایر ابعاد شفافیت مطرح میشوند مسائلی عمومی از جمله مسائل شفافیت مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا و اتحادیه ها میباشد که قابل تکرار هستند. با این حال این امکان وجود دارد که احساس شود این ارائه روی بحث انتخاب ریاست جمهوری متمرکز است و این هم به علت اقتضای شرایط کشور میباشد. در این برهه زمانی خاص اولین بحث مربوط به منابع مالی انتخاباتی است که مورد اشاره قرار خواهد گرفت. ببینید ما زیاد حرف ها و نقل های سیاسی را در این فضای شنویم که نمونه هایی ذکر میشود البته به هیچ وجه تأیید نشده و صرفاً نقلی است از آنچه در فضای رسانه ای کشور مطرح میشود شبیه نامه ای که مدت ها پیش آقای رحیمی خطاب به آقای احمدی نژاد منتشر کردند، در واقع در انتهای نامه یک مطلب خیلی مهمی بود که مدنظر ما میباشد یکی از اتهاماتی است که ایشان به آن اشاره دارند این است که مقداری پول بدست ایشان رسیده است که قرار بوده کارهایی را در انتخابات انجام دهند و ایشان خودشان را تبرئه کرده اند و گفته اند که هر چه بوده تقسیم شده است و کاری نکرده اند. خیلی از افراد ممکن است بگویند که ایشان مقصر بوده یا نبوده اند ولی در این ماجرا آنچه مهم است تعبیر پول کثیف میباشد و اخیراً هم به شکل جدی تر به آن پرداخته میشود که اگر در وب جستجو بفرمائید مکرر خواهید دید مثلاً آقای وزیر کشور فرمودند پول های کثیف انتخاباتی چطور شناسایی میشود یا تزریق پول کثیف به انتخابات یا پول های کثیف یار قدیمی انتخابات و تعابیر دیگری از جمله ورود پول های کثیف به انتخابات ۹۶ و ... که میخواهند جلوگیری نمایند، یا بحث هایی که آقای آملی لاریجانی فرمودند. مجدد توضیح میدهم که به هیچ وجه قصد سوگیری نداریم و صرفاً بخشی از اخبار عمومی کشور را نقل می کنیم. مثلاً شبیه اتهام یا افشاگری که آقای بابک زنجانی به ستاد روحانی کمک

کرده اند و طبیعتاً این شبیه به خبر منفی است یعنی این اتفاق، اتفاق بدی است و شاید بشود ذیل همان تعبیر پول کثیف قرار داد که این طرف یک اتهامی وارد کرده است و آن طرف (دولتی ها) تکذیب کرده اند که به هیچ وجه نبوده یا بوده یا هر چیز دیگری. مجدداً در مورد این ماجرا ما می بینیم که یک سوالی پیش می آید که اساساً پول کثیف یعنی چه؟ آیا پول تمیز داریم و معیار این چیست؟ بینید هر اتفاقی در کشور تعریف و تعیین نشود حد و مرز مشخص نشود به یک دعوای سیاسی و بازی ای تبدیل میشود که هزینش را تنها کشور و اعتماد عمومی پرداخت میکند. من واقعاً سوالم از همه این بزرگواران این است که تعریف پول کثیف چیست و واقعاً چه برنامه ای دارند؟ آیا هر کمک مالی پول کثیف است خب اینجوری که پول تمیز نداریم آیا از یک حدی به بالاتر پول کثیف است، شرایطی باید تعریف شود. که مسئول آن خود حاکمیت است و هر اتفاقی بیفتد حاکمیت پاسخگوست. ببینید ما مردم سالاری را به عنوان رکنی که در قانون اساسی آمده مردم سالاری دینی با توضیحاتی که حضرت آقا اضافه فرمودند پذیرفته ایم، خب اگر مردم سالاری رو بپذیریم یعنی انتخابات را بپذیریم اگر انتخابات را بپذیریم یعنی رقابت را بپذیریم و اگر رقابت بر میگردد اگر رقابت را بپذیریم بحث فعالیت های انتخاباتی را باید بپذیریم و اگر فعالیت های انتخاباتی را در واقع بپذیریم یقیناً این فعالیت ها نیازمند تأمین هزینه اند و بدون پول نمیشود فعالیت کرد، برای هزینه هم اگر از کسی پول دریافت کنی وابسته میشوی یعنی شما یک ریالی بگیری، در واقع وابسته شده ای و هیچ اتفاقی در زیر این آسمان بدون تأثیر و تأثر اتفاق نمیفند. در روابط دوستانه که افراد بهم کمک می کنند یک انتظارات دوستانه ای وجود دارد و لا اینکه دوستانه باشد، چه برسد به عرصه سیاست که دیگه جنبه های دیگری در پشت آن تعریف میشود. پس پول را از انتخابات نمیتوان حذف کرد بنابراین ناگزیر هستیم که تعریف بکنیم و مسیر تعریف را هم مشخص نمائیم. این مثال را به کار می بریم که آب خوب یا بد است و این بستگی دارد که شما در استخر باشی اگر آب تا زیر گردن باشد خوب است و اگر از بینی شما بالاتر بیاد این آب میشود آب بد یا باران خوب است یا بد؟ خب باران هم تا وقتی که در رودخانه و مسیر خود باشد خوبست ولی اگر تبدیل به سیلاب شود بد است. یعنی هیچ چیز صد در صد خوبی به این معنا وجود ندارد تا ضوابط برای آن مشخص نشود، ماجرای پول هم به همین ترتیب است، خب منابع مالی به همین ترتیب از آن طرف این پول ها مصرف هم میشوند همین داستان برای آنها مطرح است ببینید مصارف مالی انتخاباتی ما هم مشکلات زیادی دارد چند نمونه صرفاً از باب تبرک ارائه میشود از جمله اینکه ستادهای انتخاباتی خیلی پرهزینه هستند افرادی که استخدام میشوند فعالیت هایی که دارند نمونه اش سفرهای انتخاباتی بسیار پرهزینه است فیلم های تبلیغاتی که ساخته میشوند مراسمات پر خرج انواع و اقسام فعالیت ها و برنامه ها و پوسترها که اینها اتفاق میفتند اینها هزینه دارند، هزینه های زیادی دارند یا اتفاق های دیگری مثل خرید افراد سرشناس، مخصوصاً رؤسای قبائل و جمعیت ها که در خیلی از مکان ها مرسوم است و هدایایی که داده میشود بعضی وقتها سکه و پول نقد و گاهی هم وعده غذایی، اینها همه هدیه است حالا اثرش ممکن است که یکم نامرغوب تر باشد. ببیند این اتفاقات و پدیده ها که در زمان انتخابات می بینیم انواع و اقسام تبلیغات و بروشورها و کارت ها و پلاکارت ها که هزینه های زیادی دارند، بعضی وقتها چند عدد برگه A4 چاپ میشود، مثلاً برای طرح درسی، چقدر هزینه دارد؟ حالا شما تصور کنید کاغذ رنگی چه هزینه سنگینی دارد؟ اینها صرفاً از باب

مثال و نمونه است. اگر عکس و تصاویر نامزدها در اسلاید مشاهده میشود، معنایی پشت آن نیست و صرفاً پدیده ایست که ما همیشه در زمان انتخابات می توانیم ببینیم. خب راه حل چیست؟ در دنیا چکار می کنند؟ عرض این است که در شفافیت خیلی کارها میشود کرد توضیحات را خواهیم دید. چند تجربه بین المللی را مطرح می کنیم که از این نظر قابل توجه اند. اولین تجربه در واقع تجربه ایالات متحده سایت (open secrets.org) است که سایت بسیار قوی و جامع ای که مرتبط با رصد پول در انتخابات میباشد یعنی کار ویژه این سایت رصد پول در انتخابات است. یک توضیحی در بخش سیاست ها و انتخابات وجود دارد، اینکه انتخابات در هیچ کشوری نسبت به رقابت های انتخاباتی ایالات متحده پر خرج نیستند پس ای مردم بیاموزید و یا بفهمید که نامزدها برای انتخابات پول از کجا تامین می کنند؟ در کجا و چطور خرج می کنند؟ در واقع این برای انتخابات ریاست جمهوری میباشد، اگر جستجو کنید در هزینه انتخابات مثلاً ۲۰۱۶ (سال گذشته) میبینید که کدام احزاب چقدر به دست آورده اند، چقدر و چطور هزینه کرده اند و در واقع هر کدام چه وضعیتی دارند، چه مبالغی بوده است و به تفکیک احزاب آمده است و مثلاً فرض بکنید که افراد مختلفی که نامزد انتخاباتی بودند، این ها پولها را از کجا و چطور بدست آورده اند؟ چقدر از هزینه ها را در واقع کاندیداها و کمیته های آنها داده است و چقدر از پول های بیرونی کمک گرفتند. اطلاعات بسیار زیادی این سایت ارائه می کند، جزئیات کمک های مالی انتخاباتی از کجا بوده و به چه ترتیب و چه مبلغی بوده است را ذکر می کند و معرفی این سایت خودش حداقل یکی دو ساعت با جزئیات خاص خودش زمان نیاز دارد. یک تجربه قابل توجه تجربه کمیسیون انتخابات برای کشور فیلیپین است که یک قانون گذاری جالبی کرده است و برای هزینه کرد در انتخابات هر نامزد سقف گذاشته است. نامزد فقط به ازای هر فرد واجد شرایط در حوزه انتخابی میتواند هزینه کند، مثلاً شما در انتخابات مجلس، چند نفر می توانند رأی بدهند، به ازای هر فرد یا مثلاً گفته سه سنت آمریکا سقفی که میشود پرداخت کرد و گفته احزاب هم سه سنت کمک می کنند، جمعاً میشود شش سنت آمریکا. سوال این است که با فرض قانون فیلیپین برای ایران، در مورد انتخابات ریاست جمهوری ایران این مبلغ چه میزان خواهد بود؟ گفته میشود مثلاً ما در کشورمان نزدیک به پنجاه و شش میلیون نفر واجد شرایط رأی دهی هستند، در این انتخابات که پیش روی ما است، اگر این عدد ضرب در سه سنت آمریکا بشود، مبلغ میشود شش و سه دهم میلیارد تومان، آیا عدد زیادی است یا عدد کم؟ اصلاً نمی توانیم قضاوت بکنیم اصلاً نمی خواهیم بگوییم این کار ما همان عددی است که فیلیپین گفته است و ما هم همان را میگوئیم. ما می خواهیم بگوییم که یک مکانیزم معقول طراحی کرده اند، بجای این که ماجرا به یک دعوای سیاسی و فحاشی و اختلافات سیاسی تبدیل شود. اختلاف سیاسی هیچ هزینه ای جز سوختن اعتبار عمومی مردم و نابود شدن آن ندارد. از ساز و کارهای کشور بیایم و یک قانون گذاری خوب بکنیم. برای آن ماجرا برگردیم به همان تجربه فیلیپین، در واقع این کشور آمده است و میگوید که شما هر قرار دادی که می بندید و هزینه ای که میکنید، مثل یک قرارداد تبلیغاتی با یک شرکت، این فرم را که شامل کدام شرکت و مبلغ چقدر بوده است و بابت چه چیزی بوده است و در چه تاریخی بوده است و در کل هر اطلاعاتی که لازم است را تکمیل کنید. البته ساز و کار این کشور ظاهراً ساز و کار الزام آوری نیست، چون این کشور یک لیستی ارائه می کند، شامل نام نامزدهایی که این اظهارنامه ها را برای دو دوره یا بیشتر در انتخابات منتشر-

نمیکنند. این بحث باید قانونی شود یعنی باید قانون بگوید که اگر این کار را بکنید یا اگر نکنید جرم است. البته در کشورمان ما امسال می خواهیم از نامزدها خواهش کنیم، ولی خب درست این است که خواهش نکنیم و وظیفه آنها باشد. محور بعدی از مسائل ناظر به نامزدها، بحث اطلاعات جامع سوابق و فعالیت های آنها میباشد. اینکه نامزدها دقیقاً چه سوابقی دارند. این سوابق شامل سوابق تحصیلی، سوابق شغلی، سوابق فعالیت های غیررسمی میشود، خیلی وقت ها ممکن است که فعالیت عام المنفعه ای باشد که یک جنبه هایی پیدا کند یا هر سابقه دیگری که می تواند شناخت و آگاهی ما را از فرد را ارتقا بدهد که اینها چه وضعیتی دارند. خب ممکن است بیان شود که همین الان در کشور ما این اطلاعات ارائه میشود، نامزدی که می آید، سوابق او را میدانیم! نه چون واقعاً دقیق نیست. اولاً اینکه اطلاعات کامل نیست. ثانياً بازه زمانی آنها باید مشخص باشد و بعد مهم تر از گرفتن مسئولیت این است که در آن سمت چکار کرده است، مهم ترین اقداماتش را وقتی که مسئولیت برعهده داشته بیاد بگوید، این جزئیات چرا ذکر نشود؟ این جزئیات است که معنادار می کند. کلی گویی، بدون کاربرد و بی فایده است. محور بعدی محور مواضع در رابطه با مسائل مهم است. ببینید واقعاً کلی گویی کمر کشور ما را خم کرده است خب نامزدها می آیند و موضع گیری های کلی می کنند. اقتصاد باید بهبود پیدا کند، اشتغال باید افزایش پیدا کند، تولید هم باید خوب بشود و تورم باید مهار بشود، کارکنان باید رشد کنند، در این حال ارتباطمان با بقیه کشورها باید خوب باشد. خب هیچ عاقلی نمی آید این مواضع را رد کند این موضع، موضع مشترک است. در این ماجرا فایده ندارد باید فرد بیاید توضیح بدهد دقیقاً موضعش چیست؟ دقیقاً موضعش در قبال کشور آمریکا به چه ترتیبی است؟ یعنی برای کشور ما مهم هست. یا مسئله حجاب از نظر این فرد چگونه است؟ ببینید مسائلی که برای کشور ما چالش و حساسیت دارد، فرد بیاید حساسیت خود را دقیق بگوید. کشور همسایه ما که آرامش درونی ندارد رابینید. در کشور چند پاره لبنان هر دولتی که سرکار می آید مکتوب مواضعش را منتشر می کند خب لبنان این کارها را می کند، چرا ما چنین چیزی نداشته باشیم. کار خوب را باید از هر کسی یاد گرفت در واقع این افراد باید بیایند و بگویند که در طول حیات سیاسی خود چه مواضعی گرفته اند. هم الان و هم در گذشته چه مواضعی را گرفته اند. خب ما الان می خواهیم ببینیم که محور قبلی و این محور که شفافیت سوابق و شفافیت مواضع بود، چه تجربیاتی دارد: در واقع سه یا چهار سایت را اینجا می خواهیم ارائه کنیم: اولی سایت (political Galaxy) است که در واقع زیر مجموعه سایت (Vote Smart) میباشد. در واقع سایت (Vote Smart) سایت جالبی است که یک زیر سامانه دارد که در واقع آمده و یک مثال زده است که یک کهکشانی از سیاستمداران داریم و به ترتیب از بالا ذکر کرده است که به چهل و یک هزار و دویست سی و شش نفر میرسند (به تاریخ این تصویر گرفته شده) که مواضعشان و شرایط آنها را در حوزه های مختلف آورده است. شما یک نامزد را انتخاب می کنید بعد یکی از این حوزه ها را انتخاب میکنید، مثلاً حوزه سقط جنین، حوزه حیات وحش، در مورد هنر و موسیقی و در مورد اعدام و مجازات آن، در حوزه دفاعی، در حوزه دارویی هر کدام را که من و شما انتخاب می کنیم مواضع آن فرد در این حوزه بیان میکند. آیا زندگینامه مرتبط دارد؟ آیا از این حوزه ها کمک های مالی گرفته؟ آیا در این حوزه ها سخنرانی کرده؟ آیا اگر جایی نماینده بوده، رأی در این حوزه داده است؟ این ها را در واقع لیست می کند و شما می توانید ببینید به چه ترتیبی است، بعنوان مثال این

بحثی که الان داریم، بحث مواضع آن نامزد در یک حوزه خاص در مورد سقط جنین است که آنها را لیست کرده است. یا مثلاً فرض کنیم در حوزه نظامی که آیا این فرد در حوزه نظامی کار کرده یا اشتغال داشته است یا نه؟ خیلی جالبه است و هر آنچه در مورد او بشود رصد کرد. پشت این سایت هم یک مجموعه مردمی است. سایت بعدی سایت (Politwoops) است که در واقع میگوید خیلی از سخنان سیاستمداران که در توئیتر قرار میگیرد، بعد از مدتی حذف میشوند، ولی این سایت اینها را ضبط میکند. این هم یک روش است تا که مستند باشد. بعضی ها میگویند آقا اینکه فرد آمده است و در آنجا آن حرف را زده، خب شفاف کرده است اما نه، به هیچ وجه شفافیت نیست، شفافیت استاندارد دارد یکی از استاداندرهای شفافیت یعنی همه اطلاعات، برای همیشه در طول تاریخ رصد بشود، یعنی اگر این اطلاعات را طوری ذخیره نکنی که همیشه قابل استناد باشد، شفاف نیست. پس اعلام شفاهی صحبت یک نامزد در تلویزیون شفافیت نیست بلکه درج و ثبت مکتوب در سایت مشخصی که همیشه باقی باشد، همیشه بشود به آن ارجاع و استناد کرد با ویژگی های فنی خاص شفافیت میشود. یک تجربه خوب ملی سایت آقای رئیس جمهور است که پشت آن یک عده دانشجو هستند. این سایت آمده است و نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری را (چون هنوز قحطی نیست) ذکر کرده است. و بعد تلاش کرده در حوزه های مهم و مسائل مهم کشور مواضع آن افراد را رصد کرده که طبیعتاً از طریق خبرگزاری ها بوده است، بعد آن ها را فهرست کرده که نامزدها مواضعشان در قبال مسائل مختلف به چه ترتیبی است، اگر شما هر موضوع را انتخاب کنید، بیان میکند که کدام نامزدها موافقند و چه کسانی مخالف. محور بعدی محور وعده های انتخاباتی میباشد. مشخص است که وعده ها فراموش میشوند این ها نیازی به توضیح ندارد هم خود افراد فراموش می کنند و هم مهم تر از آنها مردم فراموش میکنند. ولی چرا باید مردم جامعه به راحتی بتوانند وعده های نامزد انتخاباتی خود را در ریاست جمهوری فراموش نکنند؟ چرا این اتفاق می افتد؟ یقیناً عدم وجود داشتن چنین حافظه ای نشان دهنده عدم بلوغ جامعه است، جامعه ای که وعده ها را نتواند ثبت و رصد و مطالبه کند نشان دهنده این است که بلوغ اجتماعی را ندارد. چند سایت از تجربیات بین المللی را میخواهیم مرور کنیم. همین وعده صد روزه آقای رئیس جمهور که همه جا پخش شده است، ما به هیچ وجه قصد قضاوت نداریم، آیا آقای رئیس جمهور بالاخره آن مطلب را فرمودند یا نفرمودند و یا آیا فرمایششان دقیقاً بحث وعده بود یا اینکه من بیایم گزارش بدهم و یا هر توضیح دیگری. عرض این است که چرا پس از چهار سال این اتفاق میفتد و چرا اساساً وعده صد روزه؟ این وعده یه وعده کافی نیست. عرض این است که وعده ها باید دارای جزئیات باشند یعنی شاخص داشته باشند، قابل اندازه گیری و رصد باشند، یعنی مردم نباید از همه ی نامزدها حرفهای کلی را بپذیرند. در ایالات متحده مردم آمده اند و وعده های آقای ترامپ را ثبت کرده اند و شروع کردند در طول زمان نه پس از گذشت چهار سال، در طول زمان رصد می کنند که از این وعده هایی که شما دادید چه اتفاقی افتاده برایشان؟ مثلاً با رنگ های مختلف نشان میدهند چه تعدادی مثلاً در حال اجرا چه تعدادی متوقف شده چه تعدادی اجرا شده چه تعدادی هنوز ارزیابی نشده و به چه ترتیب است. در واقع وضعیت وعده هایشان ثبت است. در کانادا سایت (Trudeau Meter) وجود دارد. برای نخست وزیر فعلی که بیست و سومین نخست وزیر این کشور است، آمده و ذکر کرده که در واقع ایشان چهارصد و هفتاد و هفت روز

در دفتر مستقر شده اند، دویست و بیست و سه وعده داده اند که دقیقاً هشتاد و نه وعده هنوز اجرایی نشده است، شصت و چهار وعده در حال انجام است، چهل وعده در دست این آقا است، که سی وعده به ارزیابی ما خلافت عمل شده است و در واقع خلاف وعده عمل شده است. این ها کلی نیست یعنی هر کدام که فرد کلیک نماید می تواند جزئیات را ببیند، تفسیرها را ببیند. کشور انگلستان سایت دیگری دارد، که وعده ها را ثبت میکند. آن ها یک وعده دادند منظورش از آنها، مسئولین یا در واقع سیاستمداران میباشند که شما روی هر کدام از سیاستمداران کلیک کنید، وعده های آنها را میتوانید ببینید. روی هر کدام از موضوعات کلیک کنید، میگوید که در ذیل آن موضوع چه وعده هایی کدام سیاستمدار داده است و ارزیابی وضعیت آن وعده به چه ترتیب است. در کشور افغانستان خبرگزاری طلوع آمده است و همچنین سایتی را راه اندازی کرده است با عنوان از تعهد تا عملکرد که فارسی هم میباشد. همه می توانید بروید و ببینید. در آنجا آمده است که صد وعده انتخاباتی داده شده است، هشتصد و نود و نه روز هم در قدرت هستند و در واقع وضعیت این صد وعده به چه ترتیبی است. حالا مثلاً گفته است هشت وعده حاصل شده، سی و یکی در حال حاصل شدن است، دو وعده انجام نشده، پنجاه و نه وعده غیر فعال است و کلاً وعده ای نبوده که همین طور باشد نه انجام شده و نه انجام نشده رها باشد. اصلاً وضعیت مشخص و جزئیات هم طبیعتاً ارائه میشود و افراد جزئیات را میتوانند ببینند. آخرین محور ذیل مسائل ناظر به نامزدها بحث تیم همکار هر فرد یا کابینه میباشد. طبیعتاً آقای رئیس جمهور قرار نیست تنهایی و در زمان کوتاه همه ی مشکلات کشور را حل بکند. مهم تر افرادی هستند که با ایشان کار می کنند این در واقع تیم همکار یا کابینه هست. واقعاً چرا در زمان انتخابات ما مطالبه نمی کنیم. سوال این است که ممکن است نامزدی برای کشور فکر کرده باشد، دغدغه داشته باشد، برنامه داشته باشد، ولی فکر نکرده باشد که چه کسانی قرار است بیایند این ها را انجام دهند؟ و در واقع با صدارت و نظارت چه افرادی این اتفاق قرار است بیفتد؟ واقعاً بی معنی است. خوب چرا ما مطالبه نمی کنیم؟ چرا نمی گوییم شما اعضای کابینه خود را مشخص کنید؟ معاون اول، معاون مطبوعاتی، معاونین و وزراء و در کل تیم همکار شما چه کسانی هستند؟ یا اینکه بگویید برای این گزینه برای این پست دو سه گزینه دارم، در حال حاضر یک نفر نیست قطعی نیست. چرا ما مطالبه نمی کنیم؟ چرا بلوغ اجتماعی نداریم؟ ببینید اگر بخواهیم جمع بندی کنیم پیشنهاد مشخص داریم، در حوزه منابع مالی انتخاباتی می خواهیم بگوییم که باید ثبت دقیق و ارائه عمومی کمک های نقدی و غیرنقدی بشود، در واقع نامزدها این کار را بکنند، ولی اگر اعلام نکردند، جرم انگاری شود. اعلام کنند در مصارف مالی انتخابات دقیقاً کجا خرج کرده اند و مجدد جرم انگاری اینکه اگر وعده های انتخاباتی خود را اعلام نکنند، اینکه آقا هر وعده ای میخواهند بدهند، اما وعده ای بدهیم که قابل اجرا باشد، که آن را مکانیزم های اجتماعی باید مهار کنند. ما میگوییم اگر وعده ای میدهید یا با جزئیات آن در یک سامانه ثبت شود یا حداقل به صورت مکتوب یا عمومی، که اگر شما ثبت نکرده باشید میشود جرم، جرم انگاری عدم شفافیت و اینکه فرد سوابق فعالیت ها و پست هایی که گرفته و زمانیکه در آن مسئولیت بوده دقیقاً چکار کرده است و چه اقداماتی انجام داده است، مهم ترین اقداماتش را بگوید، این ها را به دقت ذکر نماید و مواضعش نسبت به مسائل مختلف روز را در طول مدت زمانی که در این مسئولیت های مختلف بوده است، بیان کند و البته به طور خاص متمرکز به زمان فعلی کشور و آخرین

محور اینکه تیم همکارانش در واقع قرار است چه کسانی باشند؟ و چه شرایطی خواهند داشت؟ این موارد را بیاید و اعلام کند. از محور اول که بگذریم که مهم ترین محور بود می رسم به بحث مردم، که دو سه نکته ذیل آن وجود دارد که عرض می کنیم. اولین بحث اینکه مردم باید بتوانند آگاهانه انتخاب کنند. ببینید اینکه ما بگوییم انتخاباتی است و در این انتخابات مردم باید مشارکت کنند و بعد بگوییم که مردم باید بیایند و انتخاب اصلح کنند خب این ها مشخص است در اسناد ملی کشور هم است و هم بالاخره رهبری کشور چهارچوب کلی را طراحی فرمودند اینها بدیهیات کشور است، بقیه باید چکار کنند؟ بقیه که رهبر نیستند بیایند این حرفها را تکرار کنند یا سیاستگذار نیستند. باید شرایطی را ایجاد کنیم زمینه ای را ایجاد کنیم که مردم بتوانند آگاهانه انتخاب کنند تجارب داخلی دارد تجارب بین المللی هم دارد که در واقع کمک می کند و سامانه هایی در این زمینه وجود دارد از جمله سامانه انتخاب من، رأی آگاهانه که داخلی است و سامانه استمارت (Vote Match) سامانه (Vote Smart) و سامانه «من طرفدار هستم» که برای دو کشور در اینجا ذکر کردیم. این ها تجارب داخلی و بین المللی هستند و باید بدانیم که یک انتخاب شایسته ماه فصل ترکیبی از دو شناخت میباشد یکی اینکه معیارهای انتخاباتی فرد شایسته چیست و دوم اینکه بدانیم آن نامزد در آن معیارها چه امتیازی میگیرد و چه وضعیتی دارد. چطور میشود این کار را کرد این سوال سوالیست که ما باید ساختاری جواب بدهیم نه اخلاقی این که مردم بروند خودشان تحقیق کنند یک قدری عجیبست باید ساختارهایی وجود داشته باشه که به مردم در این مسیر کمک کند. ببینید این ماجرا در کشور ما جدید نیست مورد مسائلی که در دموکراسی با آنها برخورد می کنیم بهتر است بگوییم در مردم سالاری و انتخابات با آنها برخورد می کنیم مسائلی نیست که ما برای اولین بار در طول تاریخ با آنها برخورد کرده باشیم. سامانه هایی مطرح است که مطالب ادبیات دارند نمی دانم متخصص دارند یا نه. یک سری سامانه ها کارشان کمک به انتخابات و رأی دهندگان است که در سایت ویکی پدیا میتوانید مشاهده کنید و توضیحات آن که از کجا و چه سالی شروع شده است. مثلاً چه تجربیاتی بوده است و چه نمونه هایی از این ها را می خواهیم معرفی کنیم. یک نمونه، نمونه سامانه (Vote Easy) هست که سامانه جالب توجه ای است و برای کشور ایالت متحده است، همه نامزدها را می آورد و حوزه های مهم کشور را مشخص کرده مثلاً حوزه سقط جنین و مبارزه با جراحی و وضعیت اقتصادی و آب و هوایی که هر کدام را که باز کنید دو سه سوال از فرد پرسیده شده و فرد بیان کرده است که آن سوال چه میزان برای آن مهم است و به هر میزان که فرد سوال محور انتخاب نماید و سوالاتی را پاسخ بدهد، این سامانه میگوید که نظرات شما به کدام نامزدها نزدیک تر است و از کدام نامزدها دورتر و فرد اگر تردید کند که با چه شاهی و چه مستندی به من میگوئی از این نامزد دورتر است و فرد که کلیک نماید تک تک شرایط آن فرد را در آن محورها ذکر می کند و در واقع فرد علت را میبیند. سامانه بعدی سامانه (Vote Match) در کشور انگلستان است. ابتدا فرد انتخاب می کند که کدام حوزه ها برای او اهمیت دارد و موضوع کلی و حوزه کلی را میاورد و فرد انتخاب می کند، از بین این ها بعد فرد میگوید حالا از این حوزه های انتخابی سه چهار حوزه کلی دارد یکی را انتخاب می کند یا با انتخاب کدپستی مشخص میشود کدام منطقه است و شروع می کند سوال کردن در مورد آن حوزه که فرد انتخاب کرده است. این شروع می کند سوالاتی را می پرسد حالا طبیعتاً سوالات خیلی ساده و جوابهای خیلی ساده موافق، مخالف

اند که فرد نظرش رو میگوید و به هر کدام پاسخ میدهد. میگوید آقا این سوال چقدر برای شما مهم بود کم بود یا خیلی مهم بود زیاد بود یا اصلاً مهم نبود و در نهایت از فرد هم سوال میکند آیا اعضای هستند که به هر دلیلی نخواهید به ایشان رای دهید، مثلاً به حزب سبز اصلاً نمی‌خواهم رای دهم یا به یو‌آی پی اصلاً نمی‌خواهم رای بدهم مثلاً به گرین پارتی اصلاً رای نمی‌خواهم رای بدهم، در نهایت مشخص میکند که کدام نامزد، نامزدی است که به فرد نزدیک ترند و با وارد کردن ایمیل بصورت مکتوب نتیجه را اعلام میکند که کار بسیار زیباییست. سامانه ای دیگری است مثلاً کشور کانادا آمده و از این استفاده کرده سامانه آی سی ویت یا من طرفدارانی هستم، مجدداً در یک پرسشنامه ای سوالات به میزان اهمیت از فرد پرسیده میشود و در نهایت اینکه چند درصد شما به کدام احزاب نزدیک ترین را به همراه جزئیات به شما نشان میدهد. این سامانه آی سای ویت یک پلت فرم است که به راحتی برای بسیاری از کشورها قابل انجام میباشد. تا این لحظه سی و یک کشور از این سامانه پلت فرم استفاده کرده اند و سامانه مشابه ای را برای کشورهای خود بالا آورده اند. در حال حاضر هم کسی در ایران می‌تواند این سوالات را بردارد و برای ایران این سامانه را بالا بیاورد و کاملاً قابل انجام است. نمونه های داخلی یک سامانه است که سال گذشته با ذوق و همت تعدادی از بچه های شیراز اتفاق افتاد سامانه رای آگاهانه بود برای انتخابات مجلس که دو قسمت کلی داشت بر اساس آگاهی و انتخاب، در بخش پرسشنامه فرد وارد میشد و مشابه همان سامانه قبلی در حوزه های مختلف سوالاتی را می‌پرسید و براساس میزان اهمیتی که فرد پاسخ می‌داد مشخص می‌شد که نظر فرد به کدام نامزد نزدیک تر است و در قسمت دوم انتخاب بر اساس آگاهی که از یک معیار دیگری استفاده میشد و معیارهای اساسی و اصولی انتخاب افراد را ذکر میکرد و به فرد اجازه میداد ضرایب پیشنهادی خود را گفته و بعد به فرد میگفت که شما نامزدهای منتخب خودت را بیاور و بعد فرد به هر کدام از این نامزدها با توجه به این معیارها شما چه امتیازی میدهی و در نهایت این سامانه اعلام میکند که کدام فرد با توجه به این امتیازات به نظر شما نزدیک تر میباشد. نمونه ای که این کار را میکند سامانه آقای رئیس جمهور است که قبلاً معرفی شد. سامانه آقای رئیس جمهور هم می‌آید و مواضع افراد و سوابق آنها را معرفی می‌کند. از شما در ده حوزه اساسی کشور سوال می‌کند و در نهایت اعلام میکند که کدام نامزد نظراتش به نظر شما نزدیک تر است، محور بعدی محور نظارت های پس از انتخابات میباشد که واقعاً لازم است که مردم در طول زمان برمنتخبان خودشان نظارت کنند و به هیچ وجه نظارت نباید به دستگاه نظارتی محدود شود ما چهار انتخابات مجلس ریاست جمهوری و شورای شهر و خبرگان داریم. هر کدام از این ها شاخص خاص خود را دارند. شما اگر بر عملکرد این افراد نظارت بکنید باید بدانید که چه شاخص هایی برای آن ها وجود دارد و اساساً آنها چه اطلاعاتی را باید در اختیار مردم قرار بدهند که بشود بر آنها نظارت کرد. سایتی را بالا آوردیم سایت نقش شفافیت که در حال تکمیل می باشد. در سایت نقش شفافیت تلاش کردیم در حوزه های مختلف محورها و مولفه های شفافیتی را فهرست کرده و همین طور یک ارزیابی کنیم که آیا این محور شفافیتی اطلاعاتش به مردم داده میشود یا خیر یا پنج رنگ کلی که کاملاً شفاف عموماً شفاف نیمه شفاف کاملاً غیر شفاف و گزینه نامشخص. به چه ترتیبه مثلاً در مورد نامزدهای انتخاباتی ببینید از این شش محوری که ذکر شد در هیچ کدام الزامی نداریم که نامزد بیاید و ارائه ای اطلاعات به صورت دقیق بکند.

این هیچ نشانی جز بی تدبیری ندارد. ذیل مسائل ناظر به مردم می خواهیم بحث گزارشگران تخلفات را عرض کنیم. سوال مهمی که از شفافیت پرسیده میشود این است که فرض کنیم نامزدها اطلاعاتشان را دادند و منابع مالی خودشان را گفتند، چجوری میشود مطمئن شد که راست میگویند. حتی بعضی صاحب منصبان هم در تلویزیون آمده اند این استدلال را بیان کرده اند. این بزرگواران حرفشان درست است ولی قطعاً ناکافی و ناکامل است. این ناکافی و ناکاملی باعث شده که یک خطای استراتژیک بشود. ببینید این تجربیات در کشورهای سابقه داره شفافیت نزدیک به صد سال یا بعضاً بیش از صد سال است که دارند انجام میدهند. خب این سامانه ها چند ساله در دنیا آمده است سامانه اطلاعاتی پس نشان میدهد که کارهایی میشود کرد اگر ما آنها را بلد نیستیم اشکال از خود ما است. ببینید نکته این است که چطور میشود؟ اگر راست آزمایی اطلاعات تشریح شده را از دستگاه های ناظر می خواهیم، دستگاه های ناظر با سامانه های بانکی کار میکنند و حساب های بانکی را چک میکنند مثلاً فیش ها را چک میکنند، ولی اگر این ها نباشد، چطور؟ یک مثالی می زنیم ببینید الان نامزدی آمده و اموال و دارائیش را ارائه کرده است، به راحتی میتوان فهمید که راست میگوید یا خیر. نامزد انتخاباتی دوست دارد، همسایه دارد و مهم تر از آن رقیب دارد، اگر یک روزی بنده در انتخابات ها باشم میگویم بروید و رقبای بنده را ببینید، اگر ماشینی، ملکی یا هر چیز دیگری اضافه دارند، اعلام عمومی کنید. در واقع با یک جرم انگاری ساده که کاری نداریم شما چقدر دروغ میگویید ولی اگر فردا روزی بفهمیم که مثلاً شما یک ماشین اضافه داشتید و آن را نیاوردید این جرم سنگینی است و اگر مسئولیتی داری باید آن را تحویل بدهی و تا ابد هم شما دیگر نباید وارد عرصه انتخابات شوی، یعنی با یک جرم انگاری سنگین و مشارکت دادن مردم در راستی آزمایی، مردم آنرا کشف میکنند، بنابراین ریسک دروغگویی بالا میرود و این مهم ترین مانعی است که مردم تخلف نکنند و خدای هم مکرر تذکر میدهد که من علیم هستم، من همه چیز را میدانم، من خیبرم و خبر دارم از آنچه در قلب های شماست آنچه در ذهن های شماست آنچه هنوز بر زبان نیاورده اید این یعنی اینکه افراد همیشه خود را تحت نظر بدانند این تحت نظر دانستن مهم ترین مکانیزم مبارزه با فساد است یعنی جرم و تخلف است پس راستی آزمایی محورهای مثل منابع و درآمدها و مواضع و وعده ها چیزهایی هستند که مردم باید کمک بکنند ادبیات بسیار مهمی دارد تحت عنوان گزارشگران تخلفات یا ویست بلویر که ترجمه تحت الفظی آن سوءظن است که ما میگوییم گزارشگران تخلف ترجمه بهتر و دقیق تر آن است اگر این وجود نداشته باشد شفافیت به تنهایی ناکافی و ناکارآمد است ولی به هیچ وجه نباید خود را متوقف به سامانه های اطلاعاتی بکنیم پس باید گزارشگران تخلفات را داشته باشیم. گزارشگران تخلفات هم مانند هر کار دیگری مثل غذا خوردن آداب و رسوم و شرایطی دارد که در جای خود به آن پرداخته میشود. در این لحظه بحث کامل است، اینجا به بحث سوم یعنی بحث شفافیت فرهنگ های انتخاباتی میرسیم.

بسم الله الرحمن الرحيم و به تعالى نستعين

در قسمت اول محورهای ناظر به مسائل نامزدها و بحث های شفافیتی مرتبط به آن ها و در بخش دوم مسائل ناظر به خود مردم عرض شد که به چه ترتیب میباشند. در این بخش که بخش پر محتوایی میباشد به فرآیندهای انتخاباتی پرداخته خواهد شد. امیدواریم که این بخش مفید به فایده باشد. محور اول بحث ضوابط رفتاری یا اصول رفتاری نامزدها است که ابتدا آن را تعریف خواهیم کرد بعد چند مثال از اصول اخلاقی نمایندگان پارلمان اروپا و دربخش بعدی به اصول رفتاری مربوط به کشور افغانستان می پردازیم . خواهیم دید که این اصول رفتاری یک تعریف دارد. تعریفی که ما از آن می پسندیم این است که یک سازه اجتماعی است که چهارچوب رفتارهای صحیح و ناصحیح افراد را مشخص می کند. فرض کنید اصول رفتاری یک برگ نوشته است، مثلاً به شما میگویند در مجلس روی نیمکت کار کنید، لباس مرتب بپوشید، حاشیه ایجاد نکنید، سعی کنید خوش اخلاق باشید رفتارهای خوب و بد حتی میگوید که ساعت ۸ بیایید و ۴ بعد از ظهر بروید یا روزهای تعطیل به چه ترتیب خواهد بود. پارکینگ داریم یا نداریم، از آن طرف هم انتظاراتی از مخاطب خود دارد، ما هم تعیین می کنیم که من انتظار دارم مخاطب خودم این گونه رفتار کند و اینجوری رفتار نکند. در حوزه انتخابات یک همچنین نوشته ای لازم است که بگوید کارهای خوب و بد نامزدها و تیم های انتخاباتی آنها و عموم مردم چگونه باشد، ما حرف هایی داریم گفته شده یا در مسائل دینی گزاره هایی داریم مثلاً علیه هم زیرآب نزنید یا هم دیگر را نکوبید که یک گزاره اخلاقی است ولی اینکه سندی شود و افراد در زمان ثبت نام آن را امضا کنند که ما می پذیریم و تعهد میدهیم ، نمونه هایی را می آوریم مثلاً دانشگاه ها. این که میگوییم یک سازوکار اجتماعی است به این معنا است که افرادی که آن را امضا می کنند طبق همان بازخواست میشوند. از آنها انتظار می رود که وقتی این سند را پذیرفته اند، باید ها و نبایدها و مکانیزم های اجتماعی را بپذیرند. البته در بعضی- مجموعه ها این اصول رفتاری را در جلسات آموزشی تک تک توضیح میدهند تا مطمئن شوند که مخاطب نسبت به این ماجرا توجیه شده است و بعد از آن شرایط و ضوابط در واقع ضمانت اجرایی تهیه می کنند، تشویق هایی تمهیداتی تبلیغ می کنند که مطمئن باشند، درست رفتار میشود. ما در انتخابات کشورمان چنین سندی نداریم. بعضی. از شرکت ها، سازمان ها و دانشگاه ها دارند. سوال مهم این است که اصول رفتاری در انتخابات به چه ترتیب است؟ نامزدها به چه ترتیب رفتار کنند؟ رسانه ها چطور باید رفتار نمایند یا هواداران نامزدها چگونه باید باشند؟ اینها مسائلی هستند که ما متأسفانه در کشورمان نداریم. دانشگاه (Standford) در سایت خود اصول رفتاری را قرار میدهد که اصول رفتاری ما به این ترتیب است که استفاده از تجهیزات مانند رایانه های دانشگاه در راستای درآمد شخصی- ممنوع است مگر مواردی که هماهنگی مسئولین را داشته باشد. یا در مورد سایت های دانشگاه که میشود کار شخصی. کرد یا خیر؟ اگر از نظر اخلاقی نگاه کنید به یک شکل است اما اینکه اعضا و مخاطبان تکلیف خود را بدانند بحث دیگری است. در اصول اخلاقی دانشگاه (Fordham) آورده شده است که ساخت یا خرید و فروش و یا در اختیار داشتن هر گونه سلاح کشنده، مواد منفجره آتش زا ممنوع است. موارد خیلی دقیق تری هم وجود دارد که در مورد تیپ پوشش صحبت کرده یا حتی اصول اخلاقی به نام یک درس تعریف شده است. ما در

کشورمان نمونه های مشابه ای داریم ولی هیچ ضمانت اجرایی برای آن تعبیه نکردیم، به همین علت سازه اجتماعی میگویند یعنی خیلی فراتر از یک قرارداد یا یک نوشته ای که افراد امضا میکنند یا یک نوشته ای که روی دیوار نصب کنند از باب اینکه تکلیف شرعی خود را انجام داده باشند. پارلمان اروپا برای نمایندگان خودش یک سری اصول رفتاری تعیین کرده است که ذیل آن میگوید که چه کارهایی باید انجام دهند مثلاً مشخص شده که دریافت هدایا ممنوع است. این بسیار مهمه در حال حاضر در کشور ما دریافت هدایا توسط مسئولین تعیین تکلیف نشده که میتوانند بگیرند یا خیر؟ از نظر شرعی یک چیز داریم، یک سری روایات داریم که تحلیل می کند، اخلاق یک چیز میگوید ولی تعیین تکلیف نکرده ایم. اصول رفتاری پارلمان اروپا میگوید که میتوانید بگیرید ولی فقط به شرطی که به هیئت رئیسه پارلمان اعلام کنید و آنها هم انتشار عمومی می کنند، شفاف می کنند، به یکسری از موارد دیگر هم اشاره کرده است مثلاً اینکه وظایف اصلی این نماینده چیست؟ بحث های تعارض منافع آنها را توضیح میدهد، ضرورت اعلام انواع دارائی ها، هرگونه بهره مندی مالی آنها، اعلام هدایای دریافتی، اصول رفتاری مربوط به نمایندگان سابق، نمایندگان سابق چه رفتاری برای آنها مطلوب است که این ها را دقیق مشخص می کند. در کشور همسایه ما یعنی افغانستان اصول رفتاری رسانه ها و خبرنگاران را مصوب کرده است، یعنی این یک سند رسمی است که چه رفتاری در انتخاب برای رسانه نامطلوب و چه رفتاری مطلوب است؟ شاید برای بعضی- این سوال بوجود بیاید که چرا اصول رفتاری میگویند و قانون یا آئین نامه نمیگویند، این یک متن قانونی است که دقیقاً مصوب میشود، پاسخ این است که اصول رفتاری هم بحث های الزام آور قانونی دارد یعنی جرم انگاری میشود و هم مواردی که واقعاً جرم انگاری نیستند، خوب و بدها را ذکر میکند، یعنی میگوید چه چیزی شایسته است و هر دو را همزمان دارد، به همین علت یک قانون نمیتواند برود داخل مجلس و مصوب شود. در این بخش دوم شفافیت فرایندهای انتخاباتی مطرح میشود، یعنی ما در فرایندهای انتخاباتی مفصل می توانیم محورهای شفافیتی را در نظر بگیریم. بخش اول در واقع بر می گردد به تعریف یک چارچوب قانونی برای بی طرفی اثر بخشی- شفافیت در انتخابات. اینکه یک سیستم واقعاً بی طرف باشد یا نمایش بی طرفی بدهد خیلی با هم متفاوت است. در این زمینه اصل ادراک است، چون شما باید بتوانی نشان دهی که بی طرف هستی که در این زمینه ما دچار ضعف هستیم، ما ضعف خیلی شدید در این تصویر سازی داریم و نمایش بی طرفی مایه خلی ضعیف است. اصل این ارائه برای تقویت این بخش است، از یک طرف یک چارچوب قانونی باید داشته باشیم که واقعاً بی طرفی را تعریف کند و اینکه انتخابات اثر بخش چیست؟ این اصل ماجرا است که بشود از محافظت نمود. محور بعدی این است که اطلاعات مربوط به فرایندهای انتخاباتی را ارائه کنیم و تفسیری توضیح دهیم. یک بخش مربوط به اطلاعات در قبل از انتخابات است و بخش دیگر مربوط به بعد از انتخابات که باید منتشر- شود. نکته خیلی مهم اعتماد به انتخابات است که یک اتفاق ملی است، بروز آن این است که نامزدها با اهداف و سلیقه های مختلف مشارکت می کنند. یکی از بروزهای ملی بودن این است که همه ی مردم شرکت می کنند، ولی یکی از بروزهای مهمش این است که مردم و نخبه هایی سیاسی بتوانند در تصمیم گیری فرایندهای انتخابات هم مشارکت کنند، در این زمینه مثالی هست که وقتی فردی ناراحت است و انسان فقط میرود حرف او را می شنود و او هم راحت حرف خود را میزند، از ناراحتی او کم میشود و اصطلاحاً

میگویند که دلش خالی شد، حال اینکه به حرف او گوش دهیم یا ندهیم، ولی همین زمینه گوش دادن اتفاق بسیار مهمی است که ما در زمینه آن ضعف داریم. باید بپذیریم که در این زمینه کشور ما ضعف دارد، بحث این است که مشارکت جویی کنیم و از سلیقه های مختلف بخواهیم که در زمینه های انتخاباتی مشورت دهند و حرف خود را بزنند. بنده اساتید دانشگاهی زیادی را دیده ام که میخواهند حرف خود را بزنند ولی نمیدانند کجا و به چه کس. بحث اینکه حرف را چه کسی - اجرا کند، خب مدیر مربوطه ممکن است محدودیت داشته باشد، بیاید بیان کند. الان ببینید چرا هر کسی. یک کانال تلگرامی راه اندازی کرده و حرف خود را میزند؟ عرض این است که اگر بخواهیم یک انتخابات بی نقص برگزار کنیم، یک حداقل هایی نیاز دارد، هم موسسات و اشخاص حکومتی باید بی طرف باشند و هم التزام به برابری در برابر قانون و محافظت یکسان از قانون اتفاق بیفتد. هر گونه مشکلی وجود داشته باشد که طبیعی است و هر انتخاباتی و فرآیند اجتماعی بی اشکال نخواهد بود، ولی اگر ما شفافیت را نداشته باشیم، یعنی همان ارائه و نمایش و انتظار پاسخگو بودن در قبال افکار عمومی را نداشته باشیم، سلب اعتماد عمومی از حاکمیت اتفاق میفتد، این نتیجه قطعی و خود به خود اتفاق میفتد. ببینید در همین ماجرای اخیر تأیید یا عدم احراز صلاحیت ها توسط شورای محترم نگهبان ما ندیدیم کسی که سوال و ابهام نداشته باشد، ابهام از کم تا زیادش، که این نشان میدهد که شورای نگهبان در متقاعد کردن افکار عمومی یقیناً ضعیف عمل کرده و این خیلی مهم است. به نظر بنده حاکمیت هنوز در مورد درست متقاعد کردن و پاسخگو بودن به افکار عموم مردم ضعیف عمل میکند، ببینید یک چارچوب قانونی برای بی طرفی اثر بخشی - شفافیت توضیح داده شد، مثلاً چه مولفه هایی می تواند داشته باشد؟ این چارچوب قانونی بی طرف مدیریت انتخابات است، در حال حاضر مدیریت انتخابات با ستاد انتخاباتی است که زیر مجموعه وزارت کشور میباشد، خب این سوال همیشه بوده که همین یک تعارض منافع ساختاری دارد که هر چقدر هم خوب عمل کند باز مشکل وجود دارد. چرا باید اینطور باشد؟ ما نهادهای متعددی در کشور داریم که دولتی نیستند و تلاش شده که عملکرد آنها از نظر ساختاری وابسته به دولت نباشد و مستقل باشند، خب ما برای انتخابات هم میتوانیم این کار را انجام دهیم. در بسیاری از کشورها آمده اند و به اسم کمیته انتخابات و مستقل از دولت تعیین کرده اند. در ترکیب این تیم ها از احزاب مختلف میتوان استفاده کرد در جلسات مشورتی این همدلی ایجاد میشود. طراحی ساز و کارهای برگزاری انتخابات بی طرفانه اثر بخش و شفاف و همچنین حق نامزدها و شهروندان نسبت به مشارکت در نظارت انتخابات لازم است. موضوع دیگری که در کشور ما بسیار ضعیف میباشد نه منحصر به مورد انتخابات، بلکه عمومی میباشد، حق مشارکت مردم در نظارت، نظارت عمومی است، که وحشتناک ضعیف هستیم که ما در بسته ای که برای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری تهیه کرده ایم قرار داده ایم و مستقیم و غیر مستقیم تلاش می کنیم تا به آنها برسانیم. داده هایی پیش از انتخابات باید منشر شوند. یک اتفاق مهم اعلام نتایج به صورت مکرر و لحظه ای در تلویزیون است. خب الان سایت های وجود دارند که این کار را انجام میدهند و شمارش هر صندوقی، هر حوزه ای که تمام شد، سریع اضافه شده و روی نمودارها تاثیر میگذارد و مردم احساس می کنند که در جریانند و به انتظار مردم برای مطلع بودن پاسخگو باشیم. در آفریقای جنوبی کمیسیون مستقل انتخابات وجود دارد که برای مدیریت انتخابات یک هیات دائمی دارند یعنی الزاماً بحث متغیر

بودن در بسیاری از کشورها مطرح نیست و این اطلاعات مرتبط موارد انتخاباتی به صورت ماشین خوان، ماشین خوان یعنی توسط ماشین و کامپیوتر آنالیز شود، تمام اطلاعات رو ارائه میدهند. کنیا به همین ترتیب کمیسیون مستقل انتخابات دارد، نظارت مستقل می کند کشور کانادا به همین ترتیب سایتی مخصوص انتخابات دارد. یک سایت برای انتخابات ما داشته باشیم که همه چیز صفر تا صد در آنجا شده باشد مثل همین سایت که روش های نظارت عموم مردم را ذکر کرده است که مردم از چه طریقی میتوانند در نظارت مشارکت کنند یا اگر شکایتی دارند در آنجا ثبت شود. این هنر حاکمیت و امکان شکایت و تعریف جرایم انتخاباتی که در اصول رفتاری ذکر شده همه را در سایت قرار داده است. عرض این است که داده های دولتی مربوط به انتخابات برای افزایش اعتماد عمومی باید به مردم اطلاع داده شوند. مثلاً در مورد صلاحیت احزاب سیاسی نامزدهای انتخاباتی که باید گفته شود که علت رد صلاحیت شما چیست؟ خوب یک اختلاف سلیقه هایی وجود دارد و شورای نگهبان هم یک مواضعی دارد که حتی میگویند که ما به خود افراد نمیتوانیم اطلاعات دقیقی را بدهیم، علتش هم بحث انتشار عمومی است. یک ایده این بود آگه افراد تمکین نکردند مثلاً فرض کنید به فرد گفته میشود که مشکل اخلاقی داشته اید ولی فرد در عموم اعلام میکند که به علت شرکت در کنفرانس خارجی رد صلاحیت شده ام، دیگر شورای نگهبان در این مورد موضعی ندارد که دلیل اصلی را اعلام نماید، چون آبروی شخص از بین میرود. عرض در مورد تعیین صلاحیت و اطلاعات مربوط به این بحث است و لازم است در مورد آن تصمیم گیری جدی تری بشود. مهم این است که خود دولت و حاکمیت ذوق که فرآیند انتخابات را ساده سازی کنند. یا این فرایند رای دهی که مثلاً از اینجا برای رای دهی مراجعه کنید، از اینجا ثبت نام کنید و ... مثلاً آفریقای جنوبی آمده و فرآیند انتخابات را مصور کرده، اطلاعات جالبی را هم کمیسیون انتخابات انگلستان منتشر می کند مثلاً گزارش مشکلات و تخلفات تعبیر که تمامی تخلفات را گزارش کرده و اینکه هر کدام چه شده است و در سال ۲۰۱۰ همه این ها را منتشر کرده است. در کشور ما این ها کجاست؟ همه ما اعتقاد داریم که ستاد انتخابات در همه زمان ها تمام تلاش خود را انجام داده است تا تخلفی بوجود نیاید و اگر هم تخلفی بوده آن را رسیدگی کرده است اما به اعتماد عمومی توجه نکرده اند که مردم سوال دارند و باید به این ها پاسخ بدهند! معیارهایی برای حفظ بی طرفی در انتخابات، الزامات تعارض منافع برای افرادی که در اجرای انتخابات مشارکت می کنند و کارکنان دولت باید منتشر شود. محور دوم شفافیت هدایای دریافتی کلیه کارکنان دولتی است و سوم هم در حوزه انتخابات اعلام عمومی دارایی های کارکنانی که در اجرای انتخابات نقش دارند که بیایند و قبل انتخابات دارایی های خود را اعلام نمایند و بعد از انتخابات برای کنترل فساد بررسی شوند که تغییر کرده است یا خیر. محور چهار اعلام عمومی اقدامات محافظتی از گزارشگران تخلف است، که همان بحث نظارت عمومی است اینکه چه اقداماتی میشود تا از آنها حمایت شود. محور پنجم برنامه های آموزشی است که برای هر کدام از این ها قرار است انجام شود. ما چهار ساز و کار برای این که با تعارض منافع مقابله کنیم با تفسیر ارائه می کنیم، اولی شفافیت است، اولین کاری که برای تعارض منافع میشود کرد، این است که خود شخص اعلام کند و جسارت به خرج بدهد، جسارت که نه مجبور شود بیاید اعلام کند. از سمت احزاب دریافت هدیه برای این افراد ممنوع است. بحث دیگر الزامات داده بازه میباشد. اینکه تدارکات باز، تدارکات چه به معنای خرید و چه به معنای

استخدام باز بودن برایشان اتفاق بیفتد. بالاخره انتخابات هم ممکن است استخدامات بلند مدت یا کوتاه مدت داشته باشد و تجهیزاتی می‌خواهند اینکه با چه مکانیزم‌هایی این‌ها اتفاق می‌افتد می‌تواند فساد آفرین باشد. ولی اگر از قبل در یک سایتی تمام آنچه لازم است از جمله رویه‌های تصمیم‌گیری، تدارکات قرار است به چه ترتیب باشد و چگونه باید در مورد آن تصمیم‌گیری شود و ... بیاید، مانع فساد می‌شود. محور بعدی این است که اسناد مناقصه‌ها انتشار عمومی بشود که تمام مناقصه‌ها به چه ترتیب بوده است و مشخصات تمامی طرف‌ها ارائه گردد و در مرحله آخر هم تمام این فرایند شفاف شود و مردم بدانند. مثلاً کشور استرالیا سایتی دارد که تدارکات را به صورت آنلاین انجام می‌دهد و تمام ماجرای مربوط به انتخابات هم از طریق این سایت اعلام می‌شود و هر تحقیقی در مورد انتخابات بکنید از طریق همین سایت قابل انجام است، اما در مورد داده‌های مربوط به انتخابات یک سری داده وجود دارد که شایسته انتشار برای عموم مردم می‌باشد از جمله اینکه از قبل، اطلاعات مکانی شعب اخذ رای در قالب پی‌دی‌اف یا سایتی منتشر شود مثلاً: استان تهران شهر تهران شعبه شماره ۱: خیابان آزادی و ... و رای‌دهندگان از قبل ببینند چه شرایطی دارند جنسیت، سن، گروه‌های قومی و اقلیتی و ... به چه ترتیب است و بعد از انتخابات هم به همین ترتیب بگویند ترکیب جمعیتی مشارکت‌کنندگان و داده‌های تفصیلی نتایج شمارش آرا و ... منظور از تفصیلی این است که حداقل تا سطح شعبه اخذ رای و یا صندوق منتشر شود. که این هم در کشور ما بسیار ضعیف است و اگر اشتباه نکنم در سطح استان حوزه انتخابی منتشر می‌شود که آن هم داده‌های استاندارد ندارد. خبرگزاری هم که استاندارد می‌کند ممکن است دارای خطا و اشتباه باشد. این کشورها که بحث ثبت نام رای‌دهندگان را دارند می‌آیند و آمار ثبت رای‌دهندگان را اعلام می‌کنند، مثلاً نیوزیلند می‌آید و نتایج آرا به تفکیک شعب اخذ رای منتشر می‌شود و در سایت به صورت زنده می‌آید و هم قالب پی‌دی‌اف و هم قالب اکسل می‌دهد که مربوط به سال ۲۰۱۶ می‌باشد. کشور کرواسی هم به همین ترتیب یک سایت دارد که همچنین داده‌هایی را منتشر می‌کند. اما تجربه خیلی جالب کشور اندونزی است. در یکی از انتخابات‌های اخیر کشور اندونزی یک بحثی شبیه ماجرای ۸۸ پیش آمد که در رابطه با صحت انتخابات تردید ایجاد شد و احزاب مخالف بودند و برای آنها سوال شد، واقعاً ممکن بود به ماجرای کشور ما نزدیک شود که یک عده خودجوش آمدند و یک سایتی را راه اندازی کردند به اسم سایت کاوال پمیلو. ۷۰۰ نفر به صورت داوطلبانه مشارکت کردند و هنرمندانه تصویر شمارش آراء هر صندوق را منتشر کردند. ببینید در تصویر هم کم و بیش مشخص است این یک برگه‌ای است که شمرده شده و مثلاً سه نامزد برای ریاست جمهوری داشتند که اولی ۳۱۶ دومی ۶۰۷۰ سومی ۳۸۳ نفر رای داده‌اند. آمدند و عکس تمام برگه‌ها را منتشر کردند چند هزار یا ده هزار یا شاید بیشتر برگه وجود داشته است، این‌ها شروع کردند همه را مردمی شمرند و ثبت دیجیتالی کردند. هزینه‌ای که اینها کرده بودند برای سایت ۵۴ دلار بود. و نتایج را با ستاد انتخابات آنها مقایسه کردند که نتایج آن سه دهم درصد اختلاف داشت. این کاری که اینها کردند این بود که خود مردم مشارکت کردند و مشابه همین کار را در کشور خودمان هم می‌توانستیم انجام دهیم. خب خیلی ارزشمند بود دیگه ۵۴ دلار خیلی ارزشمند بود. اینکه در رابطه با اخذ تصمیمات مهم انتخاباتی خود مردم مشارکت پیدا کنند باید کمیته‌ای تاسیس کرد مثل کمیته رایزنی به منظور ارتباط مداوم با نامزدها و نظرخواهی، چه ایرادی دارد؟ و به طور خاص علاوه

بر مردم خود نمایندگان احزاب هم مشارکت کنند. مثلاً آفریقای جنوبی یک کمیسیونی دارد که با یک قانونی مکلف شده است که مرتب با احزاب رایزنی کند و یک تعامل و دیالوگی به وجود بیاورند.

اما بحث آخر که بحث شفافیت صندوق های آراست. این بحث از سال گذشته مطرح شد که صندوق های ما شفاف نبود یعنی صندوقی که داخل آن مشخص باشد. صندوق اگر شفاف نباشد چه اتفاقی پیش می آید اینکه میگویند از قبل پر شده است. خب یک تلاشی کردیم و توضیح دادیم که صندوق باید نیمه شفاف باشد. صندوق شفاف با نیمه شفاف یک فرق دارد و آن این است که در صندوق شفاف ممکن است رای خوانده شود و به حریم خصوصی افراد خدشه وارد شود، ولی نیمه شفاف فقط مشخص میکند که صندوق خالی است و الحمدلله در انتخابات قبلی این اتفاقات برای صندوق ها افتاد. ساز و کار بعدی ساز و کار دورین است. اساساً دورین ساز و کاری است که چه در پیشگیری از فساد و چه در کشف فساد خیلی کارآمد میباشد و کشورهایی که در کنترل فساد مشکل جدی داشتند با ساز و کار دورین به موفقیت های چشم گیری دست پیدا کردند. میتوان شمارش آرا بصورت زنده پخش شود و امکان دانلود آن هم باشد. خب یک سوالی بوجود می آید که هزینه نصب دورین بسیار زیاد است، پاسخ این است که سوال اینست که در حال حاضر بسیاری از مراکز، مساجد، مدارس، دورین دارند یعنی به این سمت رفته اند، میشود از آنها شروع کرد، بحث بعدی این است که میشود با یک ساز و کار هنرمندانه ای بیایم و آن مجموعه ها را مجهز کرد، مثلاً یک شعبه اخذ رأی بالاخره یک مجموعه ای است که می خواهد دورین داشته باشد، دولت با هزینه خود آن مجموعه را تجهیز میکند و به آن مجموعه میگوید که ظرف چند سال هزینه آن را به دولت پرداخت کند. اما ارائه ما تمام شد یقیناً بسیاری از مسائل در رابطه با انتخابات باقی می ماند که به آنها پرداخته نشده است. اگر نکته ای است در خدمت بزرگواران هستیم و استفاده می کنیم.